

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۸ نومبر ۲۰۱۶

رویزیونیزم دشمن کمونیسم و دیکتاتوری پرولتاریاست

صمیمانه ترین تجلیل از انقلاب پر شکوه اکتوبر سوسیالیستی شوروی دفاع از اصولیت کمونیستی است

خروشچف رهبر رویزیونیستهای مدرن درکنگره سیاه بیستم حزب کمونیست شوروی با تئوریهای از قبل تدوین شده رویزیونیستی "گذار مسالمت آمیز"، "همزیستی مسالمت آمیز"، "مسابقه مسالمت آمیز"، "حزب تمام خلق"، "دولت تمام خلق" و... به میدان آمد و با مارکسیست لنینیستها با همان روش اتهام زنانه به مبارزه پرداخت. وی کمونیستها را تصفیه کرد و آنها را "دگماتیگ" نامید که گویا از کاروان تحولات عقب مانده اند و همان "مزخرفات پیشین را "بلغور" می کنند. خروشچف برای مبارزه با سوسیالیسم و انحطاط آن از هجوم به شخصیت ستالین آغاز کرد و برای مبارزه با لنینیسم نظریه های مسالمت آمیز و مفاهیم اجتماعی غیر طبقاتی را خلق کرد. برای وی دشمنان طبقه کارگر به "خردمند" و "بی خردان" تقسیم می شدند. جان اف کندی خردمند بود و گلدواتر خطرناک و بی خرد.

خروشچف به قدری فصاحت به بار آورد که امروز کسی را نمی یابید که به دفاع از این دلقک بورژوا برخیزد، ولی رویزیونیستها هنوز فعالند و با توجه به این که همه این یورشها به رفیق ستالین و لنینیسم و سوسیالیسم نتوانسته اند خواست آنها را برآورده کند، مصممند از ستالین به "دفاع" برخیزند و انتساباتی به وی دهند و وی را به شکل و شمایل در آورند که با روح رویزیونیزم احزاب ورشکسته رویزیونیستی کنونی همخوانی داشته باشد. جعل سوسیالیسم و "اعاده حیثیت" از شخصیت ستالین، در واقع ادامه همان سیاست گذشته و در خدمت تبرئه رویزیونیزم است که صدمات جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی زده است.

رویزیونیستهای نوع مدرن می خواهند رویزیونیزم خروشچفی حاکم در حزب کمونیست و دولت شوروی را تبرئه کنند و به این جهت از در حمایت از ستالین در آمده اند، تا از وی سنگری برای پوشش افکار رویزیونیستی خویش بسازند. حمایت از ستالین یک حمایت شخصی و ناسیونال شونیستی به نفع امپریالیسم روس نمی تواند باشد. حمایت از ستالین حمایت از لنینیسم، حمایت از سوسیالیسم، حمایت از انقلاب قهرآمیز و دیکتاتوری پرولتاریاست. حمایت از ستالین، نفی نظریات رویزیونیستی خروشچف و طرد تمام تبعات تسلط رویزیونیزم در حزب رویزیونیست شوروی و احزاب برادر سابق وی است. حمایت از ستالین یعنی انجام انقلاب قهرآمیز پرولتاریائی سوسیالیستی در کشور امپریالیستی روسیه پوتینی.

تنها یک مبارزه بی امان با رویزیونیسم خروشچفی و تبعات و تأثیرات آن در شوروی و جهان است که می تواند راه گشای جنبش کمونیستی باشد. با وصله و پینه و ایورتونیسم نمی شود پرچمی راه گشا برای کمونیستها در سطح جهانی برافراشت.

روشن است که کسانی که در تحت تأثیر گزارش "محرمانه خروشچف" در کنگره بیستم قرار داشتند و دارند و همان سخنان بی پایه را تا به امروز تکرار می کنند، نمی توانند کمونیست باشند. پذیرش ستالین به عنوان مارکسیست - لنینیست بزرگ، معمار سوسیالیسم شرط لازم برای مبارزه با رویزیونیسم و بریدن از آن است، ولی نه شرط کافی. کمونیست کسی است که درک کند تسلط رویزیونیسم در حزب، به مفهوم تسلط دشمن طبقاتی، به مفهوم انحطاط حزب و دولت، به مفهوم انحطاط سوسیالیسم است. با رویزیونیسم نمی شود ساختمان سوسیالیسم ساخت. با رویزیونیسم نمی شود مبارزه مردم را رهبری کرد و انقلاب را به پیروزی رساند. رویزیونیستها متحد کمونیستها و دوستان آنان نیستند. رویزیونیستها ضد کمونیستند و جایی در احزاب کمونیستی نمی توانند داشته باشند. نمی شود با برجسبهای مضحکی نظیر "سوسیالیسم واقعاً موجود"، "سوسیالیسم نوع چینی"، "سوسیالیسم عربی"، "سوسیالیسم بولیواری" و... ماهیت سوسیالیسم را به مصداق "همینه که هست" تحریف کرد و به خورد طبقه کارگر داد.

ستالین پیامدهای نابودی جمهوری شوروی را برای اوضاع سیاسی جهان جمع بندی کرد و پیشگویی نمود در شرایط پیروزی سرمایه داری بر سوسیالیسم، پیروزی رویزیونیسم بر لنینیسم چه فاجعه خوفناکی می تواند پدید آید و چه هوای مسمومی می تواند فضاء را پر کند. وی ابراز داشت: "پیامدهای درهم شکستن جمهوری شوروی توسط سرمایه چه می تواند باشد؟ دوران سیاه ترین ارتجاع بر تارک همه ممالک سرمایه داری و مستعمرات فرو می ریزد، طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم به بردگی کامل کشیده می شوند و مواضع کمونیسم جهانی نابود می شود" (آثار ستالین جلد نهم صفحه ۲۹ چاپ المانی). و ما مشترکاً در مقابل ویرانه ای که خروشچف و همدستانش تا یلتسین از خود باقی گذاشتند هستیم.

ستالین در تمام دوران زندگی پرافتخارش، با اصولیت تمام، با تمام این افکار پوسیده مبارزه نمود و با الهام از لنین می گفت که "هرگز از چیز خرد چشم نبوشید که از خرد است که کلان بر می خیزد". ستالین به ایده مارکسیسم و تکامل آن به لنینیسم وفادار ماند. حمایت از ستالین و تجلیل از وی، حمایت از لنینیسم، حمایت از حزبیت طبقاتی، دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب قهرآمیز پرولتاریائی، پذیرش اصل مبارزه طبقاتی، نفی پارلمانتاریسم بورژوائی است. حمایت از ستالین یعنی پذیرش این واقعیت که جنگ طلبی در سرشت امپریالیسم نهفته بوده و مبارزه با امپریالیسم و فاشیسم، مبارزه با همه گونه انحرافات رویزیونیستی "چپ" و راست برای کمونیستها جنبه حیاتی دارد. در غیر این صورت حمایت از ستالین چک بی محل است تا صورت رویزیونیستهای "ستالینیست" را سرخ نگهدارد و به آنها امکان دهد رویزیونیسم را در پشت خرقة "اعاده حیثیت از ستالین" بپوشانند و به ضد طبقه کارگر و خلقهای جهان دسیسه بچینند. به همین جهت رویزیونیسم دشمن مکار و خطرناک کمونیستهاست و باید با وی مبارزه بی امان نمود. دفاع از اصولیت کمونیستی درنود ونهمین سالگرد انقلاب اکتوبر شوروی صمیمانه ترین تجلیل از این رخداد پر شکوه تاریخی است و جز این نیست.

حزب کارایران(توفان)

۸ نومبر ۱۳۹۵

www.toufan.org